



سال اول - شماره ۲۹ - دوشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۹ - تک شماره ۵ ریال

اگر درست است که گری اصلی و بن بست اصلی، امپریالیستها هستند، پس بیاریم این گری را این راه حرکت کنیم، هیچ اختلاقی، جایی برای بروز نخواهد داشت.

برادر مجاهد مسعود رجوی  
۱۴/ اسفند/ ۵۷

- تنگنای ما خبرور و پدیدها
- در شهرستانها چینی گذرد
- هشتاد مجاهدین خلق شاخه‌ی ما زندران
- تصرف زمین‌های روستائیان زحمتکش رادیان
- پایان اعتصاب کارگران کور میزخانه

### بای صحبت فرزندان رنج و کار کوخ نشینان کاخ ساز

در تاریک روش‌های سحر، آن هنگام که بسیاری در خواب اسیر می‌برند و خاموشیها سپهر صرنا انبوسهانی را مهاد است که کارگران را به کارخانه می‌برند، در همان هنگام مردان دیگری سر همدک در اطراف مابین در سال، مرکز حبوب شهر جمع می‌شوند، به این امید که کسی پیدا شود و سروی کار فوت بازو و خلاصه حیات آنها را به چند تومانی خرید و آنها را سر کاری برد.

پله، این بار به سراج کارگران ساختمانی رفس، قشر عظیمی از زحمتکشان جامعه که حتی از محروم‌ترین اقشار جامعه می‌باشند، در میان این جماعت گرونی که در روزهای قبل سرکاری بوده و چند تومانی بدست آورده این شایس را دارد که از پانصدی تا دسزده روزهای قبل قطعی ناسی با کمی سبزی و یک کوزه و میز خربند و در همان کارهای میدان و نزدیکترین پیوه‌خانه با چند خای کربک بخوردن مسخانه متغول شود و البته این در صورتی است که زن بقیه در صفحه ۲

## مراسم تشییع جنازه‌ی مجاهد شهید احد عزیزی

بعد از شهادت مجاهد خلق احد عزیزی در بیمارستان امام خمینی (کدر حمله) اوبانی با نامجن جوانان مسلمان اردبیل مورد اصابت گلوله‌ی ۳- قرار گرفتند (بود) پاسداران سعی می‌کردند مانع تحویل جسدی به خانواده‌ی مدعو مخفیانه او را دفن نمایند که با اصرار ایضاً خانواده شهید بواجند و سرانجام به هنگام شب و مخفیانه جنازه‌ی شهید را به سالنای اردبیل منتقل کردند و قصد دفن او را داشتند که با زحمات مطلع شدن خانواده‌ها از دفن وی جلوگیری بعمل می‌آید و وفود ایمنی

روز شنبه صبح طی مراسم با شکوهی با شرکت بیش از ۱۵ هزار نفر تشییع جنازه به عمل می‌آید.

**مراسم تشییع جنازه:**  
صبح روز ۲/۱۵ مراسم تشییع جنازه‌ی شهید شهید احد عزیزی انجام شد. ابتدا ماشین مرز به عکس شهدای ایستادگار سازمان

## نامه‌ی سرگشاده‌ی استاد علی تهرانی به آیت‌الله خزعلی

بسمه تعالی شانه امروز پیاده شده‌ی نوار سخنرانی اخیر شما در مشهد را برای من آوردند و مطالعه کردم و چون در چند مورد به من تهمت زده و نسبت خلاف واقع دادند و نیز مطالبی در آن بود که احتمال دادم خدای ناگردد منجر به خونریزی‌ها و درگیری‌های خلاف مشروع گردد، اقدام و نوشتن این نامه نمودم و اقدام مطالب آن در این موقعیت در نهایت ضرورت دارد که به همین ملت شریف و مسلمانان ایران برسد، رعایت دارم تمام جرائم کشور بی‌هیچ استثنائی آترا نشر دهمد، شما گفته‌اید "جرا مناقیق را که در نزد من و شما و خدا کافرند..." و

به من در این نسبت تهمت و به خدا دروغ بستاید زیرا فرزندان از منافقین، مجاهدین خلق است و مسلم درس استادان امام امت را قلمبند و تهمت زده و نسبت بسیار و معتبر اثبات فرمودند: که اسلام بر دو پایبندی اعتقاد به خدای یکتا و نبوت ختمی مرتبت، استوار است و حتی انکار ضروری دین هم اگر منجر به انکار یکی از این دو پایه نشود و مثلا "به خاطر شهیدهای کسی نیست شود که فلاان ضروری نیست و نبی اکرم نبرود، کافر نیست و محکوم به اسلام است و آثار اسلام که احترام جان و مال و جریان ارتزبیها و ازدواج هاست نسبت به آن اجرا باید کردند و اینها علاوه بر

اعتقاد به خدای یکتا و نبوت نبی اکرم معتقد به ولایت ائمه‌ی اطهارند و ملتزم به نماز و روزه و سایر احکام این آیین مقدس اند. اگر چه مانند خیلی‌ها مسلم اشتباهاتی در افکار دینی و اجتماعی‌شان دارند، در اینجا مناسب است که سه فقره از برخورد گفتاری‌ای که در پیام گذشته با من داشتید به یادتان بیاورم:

۱- یادتان هست که استادان امام امت، در بحث طلب و اراده در مسئله‌ی جبروت فوضبی، وارد شدند و مسئله‌ی امر بین امرین را با دو بیان عالی نسبت به وحدت وجود، روشن نمودند، شما و هم بحثتان بقیه در صفحه ۲

## پاسخ مجدد مجاهدین خلق به صد او سیمای جمهوری اسلامی

آیا در آید یکتا می‌توانیم هم معرفی فرودمان قدرت وجود دارد و هر کس کار خود را می‌کند! بهرحال معلوم نیست که در صد او سیمای جمهوری اسلامی چه خبر است!

رادیو تلویزیون و به خصوص صدای جمهوری اسلامی در ادامه برنامه‌های فرهنگی خود درباری سازمان مجاهدین خلق ایران که اساس بر ضد این سازمان تهیه و تنظیم می‌شود در سالگرد شهادت بنیانگذاران سازمان و ظاهراً تحت عنوان تجلیل از این شهدا کاذب و اباطیلی بهم باخته و برنامه‌های جور جور که مورد اعتراض سازمان مجاهدین خلق و مورد انزجار عمومی قرار گرفت. سازمان مجاهدین خلق اعتراض به این برنامه تقاضای فرصتی برای پاسخگویی نموده و در ادامه مسعود رجوی را نیز جهت پاسخگویی معرفی نمود.

در ادامه جریان مذکور اطلاعیه‌ای به نقل از صدای جمهوری اسلامی ایران بنی بر دعوت از مجاهدین (به خصوص برادر مجاهد مسعود رجوی) برای بحث آزاد ایدئولوژیک، در روزنامه‌های ۱۵ اردیبهشت درج شد که با کمال تعجب در تاسی که با مسئولین رادیو تلویزیون گرفتیم از اطلاعیه فوق (که البته فاقد امضا بود) اظهار بی‌اطلاعی کردند. در حالی که این اطلاعیه علاوه بر درج در روزنامه‌ها از رادیو نیز مرتباً و بکرات پخش می‌شود و در برنامه‌ی اخبار ساعت ۲۱:۳۰ تلویزیون روز شنبه نیز مورد اشاره و تأکید قرار گرفت.

مجاهدین خلق ضمن تاسس با مقامات مسئول رادیو تلویزیون و نیز در شنبه‌ی مجاهد یکشنبه ۱۱ خرداد تقاضا کردند که وضعیت این اطلاعیه و صحت و سقم آن روشن شده و مسئول یا مسئولین آن معین گردند.

روز یکشنبه ۱۱ خرداد اطلاعیه‌ای از طرف روابط عمومی صدا و سیمای جمهوری اسلامی منتشر شده که ضمن آن با اشاره به انتشار برخی مطالب در رابطه با صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در جراید باضمای مقامات غیرمجاز اعلام شده که "کلیهی اطلاعیه‌های صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران به ایضای روابط عمومی منتشر می‌شود و این سازمان مسئول اطلاعیه‌هایی که به ایضای غیر از روابط عمومی منتشر شود نخواهد بود" و میبشتر اینکه گفته شده "در صورت لزوم، سازمان علیه جریدهای که به انتشار اینگونه اطلاعیه‌ها اقدام نمایند، اعلام جرم خواهد کرد" (اطلاعیه‌ی مذکور در صفحه ۲ روزنامه جمهوری اسلامی یکشنبه ۱۱ خرداد درج شده).

اینکه ما نمی‌دانیم که بالاخره موضوع از چه قرار است؟ آیا اطلاعیه مورد بحث که از طرف صدای جمهوری اسلامی صادر شده و مجاهدین را به بحث آزاد ایدئولوژیک دعوت کرده از نظر مقامات مسئول رادیو تلویزیون در روابط عمومی صدا و سیمای جمهوری اسلامی مستعانت است؟ و اگر معتبر نیست به چه مجوزی مرتباً در برنامه‌های رادیو تکرار می‌شود؟ و یا اینکه در رادیو تلویزیون چه قدرتی در درون قدرت وجود دارد و هر کس کار خودش را می‌کند؟

بهرحال معلوم نیست که در صد او سیمای جمهوری اسلامی چه خبر است! اما لازم است در جواب صادرکنندگان ناشناس اطلاعیه‌ی صدای جمهوری اسلامی ضمن تأکید مجدد بر مندرجات مقاله‌ی مجاهد ۱۱ خرداد یادآوری کنیم که:

اولا اگر شما راست می‌گویید و مذاکرات دارید باید پیش از هر چیزی حق پاسخگویی را مازحتمن شمرده و به ما فرصت بدهید تا به دعوی باطل و تحلیلهای مغرضانه‌ی شما پاسخ داده و ادیان عمومی را که شما به مفتشوش و مشوب کردن آن اصرار دارید نقد و روشن سازیم.

ثانیا در رابطه با اصطلاح "بحث آزاد ایدئولوژیک" (باید به عرضتان برسانیم که ما هیچ اب و پرهیزی از بحث ایدئولوژیک نداریم و هیچ نقطه‌ضعفی هم برای خود (همچنانکه هیچ نقطه‌قوتی برای اثبات شما) در این زمینه نمی‌شناسیم به شرط اینکه چنین کاری با انگیزه‌های شما و در جو و فضای سالم صورت پذیرد که شما از آن بسیار دورید. باز بد نیست بیاید بیاورید زمانی که برخی از شما آقایان مشغول موش و گربه بازیهای ضدبهنایی بودید مجاهدین خلق ضمن سازمان دادن یک حرکت انقلابی مکتبی بر صدر رژیم شما مشغول تحقیقات و مباحثات ایدئولوژیک و تدوین ایدئولوژی بودید. تا سلام را در محتوی و شکل انقلابی و اصل آن به نسل‌خوار و تشنه روشن و روشن (و البته فراری از هرچه دین و اسلام است) ارائه داده و آن را مجدداً وارد تاریخ کنند. در آن زمان گوشه‌های شما حتی به بسیاری از بقیه در صفحه ۳

## گوشه‌ای از دردها و مشکلات روستائیان بم

بقیه، خوش‌سین و بدون زمین هستند. بهترین و آبادترین زمین‌ها در اختیار مالکین عمده قرار دارد. در این روستا مدنی قبل دهقانان بدون زمین تصمم گرفتند، چند هکتار از زمین‌های فتودالی به نام "موسی خان" را که سالها آبر افتاده بود، کتت کنند. بی‌سازکت زمین‌ها، "موسی خان" آب را به روی کشاورزان بست، در نتیجه محصولات اهالی در معرض خشک شدن قرار گرفت. کشاورزان برای جلوگیری از این کار صد اسبابی ارباب، بارها به مقامات مسئول، از حمله دادگاه انقلاب، مراجعه و شکایت کردند. اما نتیجه‌ای عاید‌شان نند. بالاخره بی از آن که بیست بقیه در صفحه ۳

حقوقی را سرکوب می‌کنند. در همان حال ما مورین انتظامی هم بعضاً در دفاع از سائق اربابها، دهقانان زحمتکار را دستگیر می‌کنند و عناصر مرتجع در بعضی ارگان‌های مسئول نیز علیه دهقانان و به نفع اربابها، حکم صادر می‌کنند که: "چون شما دهقانان زمین ارباب را غصب کرده‌اید! به دستور "اسلام" باید تعمد شوید و یا ..."

**اهالی دولت آباد زمین‌های اربابی را کشت می‌کنند**  
در "دولت‌آباد" که در ۲۴ کیلومتری "م" واقع شده، از ۱۱۵ خانوار جمعیت روستا تنها ۳۵ خانوار صاحب زمین و آب بوده و

ما وظیفه داریم با کسانی که ما سائق رسیدن کشاورزان به حقوقشان هستند، مبارزه کنیم، خصوصا زمین‌داران و سرمایه‌داران که در دستگاه دولت نفوذ کرده‌اند.

در دیدار از روستاهای "م" آنچه قبل از هر چیز جلب نظر می‌کند فقر و رنج روستائیان زحمتکار و ظلم و ستم وحشیانه‌ی اربابها و فتودالیها است. روستاها ویران، و روستائیان با برهنه با جیره‌های آفتاب سوخته، تحمل سالیان سال رنج، فقر و استثمار را خیر می‌دهند. پای صحبت دهقانان که می‌نشینیم، می‌بینیم، دست اربابها و

## گامپیوتر و مسئله‌ی وابستگی به امپریالیسم

در دو قسمت گذشته‌ی این محبت مطالبی را پیرامون نظرگاه‌های مختلف توسعه‌ی اقتصادی و مسئله‌ی کامپیوتر و خدمات با نشینی به مثابه نمودی از وابستگی به امپریالیسم و نیز عملکرد شرکت‌های کامپیوتری منجمله شرکت‌های بی. بی. ام از نظر مسائل مربوط به آن از اولویت‌خاصی برخوردار است. از نظر اصولی حل این مسئله ارتباط تنگاتنگی با بافت سیاسی-اقتصادی جامعه در کل دارد. یعنی تا زمانی که طرز تفکر بقیه در صفحه ۳

## مصاحبه با خانواده‌ی شهید رضا حامدی

همانطور که در مجاهد شماره ۷۵ گفته بودیم، قبل از فرارسیدن چهارمین روز شهادت مجاهد شهید رضاحامدی، در منزل رضائی‌های شهید، پس از بیان ملاقات برادر مجاهد مسعود رجوی با خانواده‌ی شهید حامدی، مصاحبه‌ای انجام دادیم. در این شماره، قسمتی‌ای از این مصاحبه، از نظر تان می‌گذرد.

**اولین سوال ما از پدر رضای شهید در مورد شرح حادثه‌ی بود که منجر به شهادت رضا شد.** وی در جواب این سوال به طور مختصری چنین گفت: "در شب ۲۳ فروردین ساعت ۱۰/۵ شب در منزل خواهر شهید بودیم، که ناگهان صدای رگبار مسلسل آمد، حدود ۵۰ عدد



و جبهه و با مادر و پدر بی‌ری داشته باشد، که در آن صورت باید به نان خالی اکتفا کرده و یا از صحنه به امید نهار صرف نظر کند، تا از این طریق سستی هم برای آنها کار نگذارد.

اکثر این مردان که در میان آنها نوجوانان ۱۳ - ۱۴ ساله را هم می‌بینی، از روستاهای دور و نزدیک به شهر آمده‌اند. اینها زمانی بخش عظیمی از نیروی کار روستاها را تشکیل می‌دادند، اما اصلاحات ارضی! کدائی شاهانه، که جز سپهری و بدبختی هرچه بیشتر روستاییان از یک طرف و نفوذ هرچه بیشتر سرمایه به اقصی نقاط روستاها از طرف دیگر، اثری نداشت باعث شد تا زحمتکشان روستا از همان حداقل شرایط زینتی هم در روستا محروم شده، و ترک علاقی و آب و خاک کرده و آوارگی شهرها شوند.

و بدین ترتیب، رکود و

مکانات "ایمنی" برخوردارند، و اگر اتفاقی برای آنها بیفتد خانه‌نشینی و مرگ تدریجی سرنوشت محتوم آنهاست.

هیچگونه امنیت و تضمین خفلی ندارند، معلوم نیست این کار که تمام شد، چند وقت باید بیکار ماندند تا دوباره کاری پیدا کنند. در مواردی حتی ۲۰ روز از ماه را هم بیکارند، و در چنین وضعیتی بایستی به اصلاح یک‌پایه خود بخورند.

اکثرا از روستاها آمده و دارای ریشی روستایی‌اند. فصلی بودن کار آنها، مضاف بر آوارگی (نداشتن مکان ثابت برای زندگی) و همچنین کادکنی وسیع در سطح شهر مانع هرگونه تاس و تشکل منفی آنهاست.

همین عدم تشکل باعث شده که مورد ستند و احیای کانون‌ها قرار بگیرند (از توهین و نازا گرفته تا شدیدترین ستم طبقاتی).

**بقیه‌ازصفحا اول**

**پای صحبت فرزندان رفیع و کار کوخ نشینان کاخ ساز**

به امید آن روز...  
کلاس سواد دارم. اما وضع زندگی ما طوری شد که عقب ماندیم، و من به ۱۲ سالگی از خانه بیرون آمدم به دنبال کار. اول رفتم در شرکتی در ۶۰ کیلومتری کسندفابوس، دو سال آنجا کار کردم با مزد روزی ۱۰ تومان که تا این اواخر ۲۵ تومان شد. بعد از آن چهار سال است که آمده‌ام تهران و کارهای بنای می‌کنم، و الان روزی ۸۰ - ۷۰ تومان می‌گیرم که باره‌م با این قسنتهای گران کم

**بقیه‌ازصفحا اول**

**نامه‌ی سرگشاده‌ی استاد علی تهرانی به آیت‌الله خرعلی**

امت از اسلام آنان می‌پرسیدی که مسلم در می‌یافتی که ایشان سایر قفقهای بزرگ اسلام را بر دو پاییه مذکور استوار می‌دانند و شهادت می‌دهند که آنها که شما کافر خواندید، نصیر می‌نمایند که معتقد به خدا و پیامبر او گردند. **«لا تغولوا لمن القی الیکم اسلام است مؤمنا»** من هم با نماز خواندن بر بنیت آنها عملا "مسلمان بودن آنان را به نا آگاهان فریب خورده اعلان نمودم.  
شما با خطاب رمزی به من گفته **«اید ای بدبختی که اسیر لفظ و کلامی و دنیا و آخرت خود را در چنین مخرقات خوش کردی خدا را در نظر بیاور و متوجه گفتار خود باش، شما را از سال‌های خیلی بدتر می‌شناسی و نیز سایر دوستان مرا خوب می‌شناسد که تا حال در بی اسم و یا جاه یا مال نبوده‌ام، این در اوایل تحصیلم در وجود خدا و فقها تمام ملبای دین برایم شک عارض شد که به خانه گفتن رفتن و های مرا آب بکنیدی و سپس نزد جناب آقای حاج شیخ مجتبی تهرانی رفتم و قصه رابه ایشان گفتم و او گفت فیض مخور این شک مقدمه ای وارد شدن در تحقیق است. اما با تذکر این سه فقره، احتمال نمی‌دهید فعلا»** هم در اشتباه باشید و بی چندی مسلمانانی را، کافر معرفی کنید و نا آگاهان را، به خونریزی و وارد کردن جرح و ضرب خلاف شرع بر کسانیکه چنان و مال و ناموسان در اسلام محترم است وادار می‌کنید و فقها "نزد خدا مستولید، لاف‌لاف خوب بود از امام

بیگاری روزافزون در روستاها و رشد دکانی در شهرها، باعث فقر و فلاکت بازهم بیشتر روستاییان شد، و همراه با آن روزروزی به تعداد ساختمانهای سربه فلک کشیده و به اصطلاح برنگونه شهرها افزوده گردید. آسایش‌های جدید طبقه مانیند فارغ از زمین سر برآورده، در حالی که سازندگان آنها خلاصه کوچ‌نشینان حاشیه‌نشین و خلاصه همان آوارگان از خانه و کاشانه بودند. مردمانی که قول خودشان، "تا وقتی ساختمانها نیمه تمام است، خانه‌ی ماست و وقتی تهیه و آماده شد ما ساختمان را تحویل می‌دهیم و به دیگر و همینطور...  
وضع آنها به طور خلاصه از اینقرار است:  
۹ - ۸ ماه از سال را به شهرها می‌بیند، و از آنجا که محمول تخصصی هم ندارند به کارهای مختلف بدنی مشغول می‌شوند، و بدینگونه کمبود تخصصی را با کار طاقت‌فرسا و توانائی‌های جسمی جبران می‌کنند. اینست که آنها را همیشه در سخت‌ترین و طاقت‌فرسایترین کارها می‌بینی

**چسرا؟**

در زمان او ظافوتی‌ها که این همه کانه‌های یزیدی داشتند، و ما برای ساختن آنها جان کنده بودیم هیچی به ما نرسید. بعد از این انقلاب عزیزانم هم که ایقنقدر فریاد کشیدیم و به خیابان ریختیم کسی به داد ما طبقه ۳ نمی‌رسد. ما توقع نداریم که در عرض یک سال همه چیز به ما بدهند، نه فقط کاری بکنند که خانواده‌ی ما از گرسنگی نمیرند. با ما وام بدهند تا جاه بزینم، زراعت کنیم، باغداری کنیم، یک چیزی تولید کنیم، که هم برای خودمان خوب شود هم برای مملکت.  
**سگر بانگ تعاونی به شما وام نمی‌دهد؟**  
- بخشدی، خیلی هم بی‌ادبی می‌کنم، یک گاری که ۶۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ تومان خرید و فروش میشه من با هزار تومان چکار بکنم. اینه که اودمم تبهرن.  
من چرا تبهرن، توی این ساختمانهای نیمه‌تمام، مثل فضائل زندگی نمی‌کنم... زیر اندازم هم کارتن و مقوا باشد.  
بخدا من راضی هشتم شب و روز، من نری کوه و سنگ اشعد، تا بتونم ۱۰ تاگوسه بزرگ کنم و ببارم تو بازار بفروشم.  
من آرزو دارم، به بونم ۲ تن گندم تولید کنم، تا هم خودم مصرف‌کننده‌ی خارجی باشم، هم سایر مردم ایران.  
**شما فکر می‌کنید، برای رفع این مشکل دولت چکار می‌تواند بکند؟**  
سرمایه بگذاریم زمین نمی‌کنیم، آدمهای اینجا کارگری می‌کنم تا خرجان در بیاد.  
**در آمد و مخارجتون چقدر است؟**  
- روزی ۸۰ تومان می‌گیرم، روزی ۲۵-۲۰ تومان هم می‌خورم و بعضی خرجهای جزئی دیگر و بقیه را ماهانه می‌فرستیم دهات برای پدر و مادر و خواهر.  
**می‌توان است استراحت را بگویید؟**

**بقیه‌ازصفحا اول**

اندیشند، برمی‌انگیزاند حتی به گرایش به راه و مکتب آنها تک می‌نماید. چنانکه در یک سال و اندی گذشته ملاحظه شد پس از آن که خدمت امام رسیدیم و گفتگوهایی انجام گرفت، برخاستم و هنگام خداحافظی به ایشان عرض کردم: هر جا دیدم قدم راه است، بر دارم و ای که قدم به راه نفس شد عقب می‌کشم. بدان خدا می‌داند بدین وظیفه و عهد پایبندم و خدا می‌داند که هیچگاه در عمرم شکی در وجود مندا تعالی و معارف اسلام نداشته‌ام همیشه برهانی اندیشیدام در پایان نظر شما را به این آیه کریمه جلب می‌نمایم: **«ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة و جادلهم بالتی هی احسن»** و نیز شما را به این حقیقت توجه می‌دهم که آنچه نسبت به بعضی افراد از روی مصالح اجتماعی و برای جلوگیری از تجاوزات به حقوق اسلامی عمومی خدمت امام امت و امت عرضه داشته‌ام مستند است و مدارک و خدعت امام فرستادم و علاوه اگر تعصبات بی‌جا را کنار می‌گذارید خود شما می‌دیدید که پشت همین رادیو و تلویزیون خود آنها آمدند و افکار کردند و تاس را تاویل و به افسانه‌ی قسمت کردند که در باره‌ی دیگران هم که به زندان افتادند، صادق است و نیز بعضی از طالب دیگری را هم که ابراز داشتند خود شما هم بعدا گواهانش را باکارها و فسادهایی از آنها دیدید، می‌باید اذعان پیدا کرده باشید.

مشهد مقدس، علی تهرانی  
۵۹/۳/۹



کارگران ساختمانی: یک‌عمر زحمت و محرومیت

ما هم بکیریم بریم شهر بستنی بخوریم:  
در این هنگام یکی دیگر از میان جمع آنها گفت: **«گفتیم چه جور پول می‌دهند. به دوفهر ههزار تومان دادند، اما به ما که بی-سربست و متضع بودیم ندادند.»** نفر اول ادامه داد: **«به چهجا گفتیم رفیق ماشین من بدین تا برم که نزد آقا، اگر کرایه‌ی ماشین هم نداریم، یک اضافی زیر کافه بکنیم، تا من به نمایندگی برم که بی-اگر هم بخواهند برای هر کاری نزد امام بروند که نمیشه، شلوغ میشه. باید هر کسی به ادارهای که گزارش به آن مربوط میشه بره، چرا پیشی اینها نگیرد، مثلا وزارت کار.»**  
- درسته، ولی ما هر جا رفتیم تحویلان نگرفتند. بعد از آئین چه دوندگی یک مقداری کافه برای ما میده و یک مشت وعده‌های می‌رسونه.  
**بعد از این، چکار می‌خواهید بکنید؟**  
- می‌خوام برم سربازی، بگذار منو بکشند تا از این دنیا و زندگی راحت شوم.

بودند توی اون شرکتی که ما کار می-کردیم، به ما می‌گفتند، راهبیمایی نرید، اینها عوامل خارجی هستند، دیگه گوش نمی‌کردیم.  
شبی که انقلاب شد من تهران نبودم، اما اون شب از خوشحالی تا صبح نخوابیدم و خدا را شکر می-کردم.  
حالا هم می‌گیم، خدایا قسمت می‌دهیم به خون شهدای اون شبها و اون بدبختهایی که در سلولها زندانی کشیدند، که این انقلاب ما رو حفظ کن تا وضع مملکت ما هم بشه درست بشه. الان ما سردرگم شدیم، هر گروه‌ی از اسلام می‌گه، اما به همدیگر حمله می‌کنند ما این وسط مانده‌ام تا وضعان روشن شود. ما حکومتی می‌خواهیم که حکومت علی را پیاده کند. هر کدام به حق مستقیم رسیدی کردت، هر کدام که خواستند حکومت عدل علی را پیاده‌کنند ما به دنبال آنها می‌رویم.  
**راستی استون را نگفتید؟**  
اگر ممکن است، استون را بگوید، اسم من فراموش غازیان، ۲۱ سال دارم.  
**خیلی مشغول خسته نباشید.**  
**برادر شما، اهل کجا هستید و چند سال دارید؟**  
- ما اهل قزوینم، ۲۳ سال دارم و در این ۲۳ سال خیلی زجر کشیدم، و سه تا خواهر مستقیم با پدر و مادر، و الان ۳ تا برادر، با هم آمده‌ام اینجا کار می‌کنیم.  
۱۵ - ۱۰ هکتار زمین دارم که چون سرمایه ندارم زین نمی‌کنم، آدمهای اینجا کارگری می‌کنم تا خرجان در بیاد.  
**در آمد و مخارجتون چقدر است؟**  
- روزی ۸۰ تومان می‌گیرم، روزی ۲۵-۲۰ تومان هم می‌خورم و بعضی خرجهای جزئی دیگر و بقیه را ماهانه می‌فرستیم دهات برای پدر و مادر و خواهر.  
**می‌توان است استراحت را بگویید؟**

**بقیه‌ازصفحا اول**

ما هم بکیریم بریم شهر بستنی بخوریم:  
در این هنگام یکی دیگر از میان جمع آنها گفت: **«گفتیم چه جور پول می‌دهند. به دوفهر ههزار تومان دادند، اما به ما که بی-سربست و متضع بودیم ندادند.»** نفر اول ادامه داد: **«به چهجا گفتیم رفیق ماشین من بدین تا برم که نزد آقا، اگر کرایه‌ی ماشین هم نداریم، یک اضافی زیر کافه بکنیم، تا من به نمایندگی برم که بی-اگر هم بخواهند برای هر کاری نزد امام بروند که نمیشه، شلوغ میشه. باید هر کسی به ادارهای که گزارش به آن مربوط میشه بره، چرا پیشی اینها نگیرد، مثلا وزارت کار.»**  
- درسته، ولی ما هر جا رفتیم تحویلان نگرفتند. بعد از آئین چه دوندگی یک مقداری کافه برای ما میده و یک مشت وعده‌های می‌رسونه.  
**بعد از این، چکار می‌خواهید بکنید؟**  
- می‌خوام برم سربازی، بگذار منو بکشند تا از این دنیا و زندگی راحت شوم.



کارگران ساختمانی: یک‌عمر زحمت و محرومیت

ما هم بکیریم بریم شهر بستنی بخوریم:  
در این هنگام یکی دیگر از میان جمع آنها گفت: **«گفتیم چه جور پول می‌دهند. به دوفهر ههزار تومان دادند، اما به ما که بی-سربست و متضع بودیم ندادند.»** نفر اول ادامه داد: **«به چهجا گفتیم رفیق ماشین من بدین تا برم که نزد آقا، اگر کرایه‌ی ماشین هم نداریم، یک اضافی زیر کافه بکنیم، تا من به نمایندگی برم که بی-اگر هم بخواهند برای هر کاری نزد امام بروند که نمیشه، شلوغ میشه. باید هر کسی به ادارهای که گزارش به آن مربوط میشه بره، چرا پیشی اینها نگیرد، مثلا وزارت کار.»**  
- درسته، ولی ما هر جا رفتیم تحویلان نگرفتند. بعد از آئین چه دوندگی یک مقداری کافه برای ما میده و یک مشت وعده‌های می‌رسونه.  
**بعد از این، چکار می‌خواهید بکنید؟**  
- می‌خوام برم سربازی، بگذار منو بکشند تا از این دنیا و زندگی راحت شوم.

بها و اوام دادند

این ارباب با نفوذی که در استانداری داشته، این جنایتها را جلوی او را نمی‌گردد...

عزیز آبادیها از دست مالک ده دل پر خونی دارند

"عزیز آبادیها" از دست مالک ده دل پر خونی دارند. بعد از پیروزی قیام، بیروزی قیام، بیروزی قیام...

پای درد دل یکی از کارگران جیره‌ای می‌نشینم می‌گویم "روزی ۱۰ ساعت باید کار کنیم، جیره‌مان قبل از انقلاب ماهیانه ۲۵ من گندم...

در "عزیز آباد بالا" یکی دیگر از روستاهای "بم" از حدود ۷۵ خانوار جمعیت، پیش از تپیی از آنها خوش شانس نبودن زمین هستند...

بم گندمی اهالی، "خان" برای زیر فشار قرار دادن کشاورزان، اضافه آنها را به رودخانه می‌برد و به کشاورزان که از کمبود آب شدیداً رنج می‌برند، اجازه استفاده نمی‌دهد...

در عزیز آباد، زمین کارگران جیره‌ای با جیره ماهیانه، ۳۰ من گندم و ۱۵۰ تومان پول، در مزارع وسیع ارباب کار می‌کنند...

اینجا می‌نشینم می‌گویند: "وضع نیز مانند سایر روستاهای منطقه از

زیر آب قطع آب گذشت، اهالی دسته جمعی به دادگاه انقلاب "بم" مراجعه کرده و درخواست کردند...

استاندار داشته، این جنایتها را جلوی خود سرهای ارباب گرفته شود حمایت نمود و در همین رابطه...

دست به یگانه در دادگاه انقلاب، از جرماتش دست برداریدند...

دست بردارند، دهقانان با کلاه گیس و دستبند به زندان امکانات کشاورزی مانند تراکتور و وام می‌باشند

در "قاسم آباد" ارباب زمینهای تقسیم شده بین دهقانان را تصاحب می‌کند

در "قاسم آباد کبکی" واقع در ۸۰ کیلومتری شهر، اربابها از زمان اصلاحات ارضی مدخلی شاه، زمینهای روستائیان را تصاحب کرده...

پس از پیروزی قیام، دهقانان با کلاه گیس و دستبند به زندان امکانات کشاورزی مانند تراکتور و وام می‌باشند

قدری از زمینها را به بین ۴۵ خانوار جهت کشت، تقسیم می‌کنند. ولی به محض اینکه ارباب منطقه خیزم از می‌شود یا تراکتور زمین را بخورد زده...

برای تعمیر قنات "خان" ۱۵۰ هزار تومان

شهر آنها را آزاد کردند، و تاکنون از طریق ادارات برای ما هیچ اقدامی نکرده‌اند...

مصاحبه با خانواده‌ی شهید رضا حامدی

انحصارطلبی رضا و عوام فریبی‌ها، سیاسی زبانی علیه او شروع شد. با اینکه در همین سوابق مبارزاتی او را همه ی مردم...

مبارزه گذاشت، در واقع از همه چیز چشم‌پوشی کرد. پس از شهادتش نوشته‌ای در جیبش بود که مضمون آن...

شهرین است، ولی دوست دارم که با تعامی وجود در راه انسانها مبارزه کرده، در این راه به شهادت برس"

مبارزه گذاشت، در واقع از همه چیز چشم‌پوشی کرد. پس از شهادتش نوشته‌ای در جیبش بود که مضمون آن...

مبارزه گذاشت، در واقع از همه چیز چشم‌پوشی کرد. پس از شهادتش نوشته‌ای در جیبش بود که مضمون آن...

مبارزه گذاشت، در واقع از همه چیز چشم‌پوشی کرد. پس از شهادتش نوشته‌ای در جیبش بود که مضمون آن...

مبارزه گذاشت، در واقع از همه چیز چشم‌پوشی کرد. پس از شهادتش نوشته‌ای در جیبش بود که مضمون آن...

وضع مردم اینجا هر روز بدتر می‌شود

اینجا می‌نشینم می‌گویند: "وضع نیز مانند سایر روستاهای منطقه از

بیمار صمغی‌اول

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

بیمار صمغی‌اول، بی‌توجهی به بهداشت و عدم رعایت اصول بهداشتی...

اعتراض به تصرف عدوانی

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

اعتراض به تصرف عدوانی، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

پایسج مجدد مجاهدین خلق، بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

گامپوتور مسئله‌ی ... بی‌توجهی به حقوق مردم و تجاوز به اموال آنها...

# آیا تحریم المپیک موضوعگیری انقلابی است

برای موضع گیری در مقابل مسئله المپیک باید به چند مسئله توجه داشت. اول اینکه هر واقعه و رویداد سیاسی و متعاقب آن موضع گیریها، قطب بندیها، زمینه بسیار مناسبی برای شناخت ماهیتها، قطب بندیها، ... می باشد. از دیدگاه انقلابی در هر مقطع زمانی اساساً یک تضاد اصلی (دشمن اصلی) وجود دارد که در این زمان امپریالیسم جهانی، به سردمداری امریکا می باشد. در نتیجه ماهیت ادعاهای و شعارهای کلیه کشورهای و روابط با دشمن اصلی، به محک آزمایش گذاشته می شود که باید با دقت و ضد امپریالیستی داشته باشند، یا نه و در جهت امپریالیسم گام بردارند و موضع بیبایستی پایدار نبوده و مالاً "به یک سو متمایل خواهد شد."

دوم وقت و توجه به چهره ریایی و فریب گرانه امپریالیسم امریکایی مگر امریکا، بعد از شکستهای متوالی از خلقهای جهان به اتخاذ سیاست حقوق بشری روی آورد تا شاید در پس این پردوی تزویر، بتواند همان سیاستهای غارتگرانه استعماری خود را تعقیب نماید. تحریم المپیک به عنوان "اعترافی به تجاوز نظامی شوروی به افغانستان" و دفاع از حقوق مردم این کشور از همین قبیل اقدامات ریگالارانه است، که امریکا و محافل وابسته امپریالیستی با چارو چنگال فراوان آنرا دامن می زنند. البته تأمین آزادی و استقلال مردم افغانستان و عدم دخالت بیگانگان از مسائلی است که ما بارها بر آن تأکید کرده ایم. و به همین دلیل ضرورت خروج سریع تر نیروهای شوروی از افغانستان را همواره تذکر شده ایم. بخصوص که حضور این نیروها در افغانستان، بهترین دستاویز برای رشد گرایش ارتجاعی و بهربردارهای امپریالیستی را در منطقه فراهم می سازد.

دقیق دشمن اصلی و درگ شیوه های نوین عوام فریبی هایش در هر زمان بر سر هر مسئله مشخصی بتوانیم مواضع انقلابی اتخاذ کرده و هوشیار باشیم که مریضی قاطعانه با مواضع امپریالیستی و وابستگی های که آنهم مالاً "به نفع امپریالیسم خواهد بود، مذبذوق نشود."

- آسوشیتد پرس (۱۰/۳۰) "جیمی کارتر" از کمیته المپیک ایالات متحده درخواست کرد که با بازبهای المپیک تابستانی مسکو را تحریم کند و با اینکه محل برگزاری این بازیها را به شهر دیگری منتقل سازد. مگر آنکه ادعاهای نظامی شوروی طرف بیکاه خاک افغانستان را تخلیه کنند. کارتر تحریم المپیک مسکو را وسیله ای برای تأکید نگرانی های ایالات متحده از این رویدادها (دخالت شوروی در افغانستان) ذکر کرد.
- آسوشیتد پرس (۱۲/۲) مهلت برای جمهوری امریکا به شوری، در عین عقب کشیدن نیروهایش از افغانستان، پایان یافته است. در نتیجه بازیهای المپیک مسکو بدون شرکت امریکا برگزار می شود.
- خبرگزاری فرانسه (۱۵/۱۶) عربستان سعودی درصدد است به خاطر تجاوز شوروی به افغانستان، بازیهای المپیک تابستان مسکو را تحریم کند.
- آسوشیتد پرس (۱۱/۱) نخست وزیر ژاپن گفت، با درخواست کارتر برای تحریم بازیهای المپیک شوروی در علت مداخله نظامی شوروی در افغانستان خواستار تحریم بازیهای المپیک مسکو شده بود.
- آسوشیتد پرس (۱۵/۲۷) "مارگارت تاچر" نخست وزیر بریتانیا روز پنجشنبه از انتقال بازیهای المپیک ۱۹۸۰ از مسکو، به یک کشور دیگر، جانبداری کرد. تاچر گفت: ما نمی توانیم خود را کنار کشیده و تنها ناظر اقدامات روسها در خاک افغانستان باشیم و دست به هیچ اقدامی نزنیم.
- رویترز (۱۲/۳) تاچر در گفتگوی شدیداللحنی، از ورزشکاران انگلیسی خواست تا در المپیک مسکو شرکت نکنند.
- آسوشیتد پرس (۲/۲۰) پاکستان به طور رسمی به لیست کشورهای که به عنوان اعتراض به تجاوز نظامی شوروی به افغانستان، بازیهای المپیک مسکو را تحریم کرده اند، پیوست.
- رویترز (۳/۹) کشورهای که بازیهای المپیک مسکو را تحریم کردند عبارتند از: آلمان، فدرال، ایالات متحده، عربستان، بحرین، کانادا، چین، اسرائیل، کوبا، ژاپن، پاکستان، ترکیه، ...
- جمهوری اسلامی (۳/۱۱) ... اصولاً کسانی که معتقد به شرکت ایران در المپیک بوده و بر آن اصرار می ورزند به دو گروه تقسیم می شوند. عده ای ورزشکاران و ورزش دوستان و عده ای دیگر افراد گروه های منحرف و وابسته و متمایل به شوروی هستند.

## در شهرستانها چه می گذرد...؟

به دنبال حلات تربت حیدریه عده های مهاجم در شهر راه افتاده و با ایجاد محیط رعب و وحشت به خانواده های طرفدار مجاهدین خلق حمله نموده و ضمن مجروح و متروپ نمودن آنها در بعضی موارد وسایل زندگی آنها را نیز غارت کردند. مهاجمین از خدا بی خیر وقاحت را به آنجا رساندند که در روز جمعه ۵۹/۲/۲۹ کلیه زخمی ها و مجروحین را علیرغم نیازی که به استراحت و درمان داشتند از طریق فشارهای مستقیم و غیرمستقیم، به بیمارستان خارج کردند. همچنین در تاریخ ۵۹/۲/۱۵ مجدداً به خانه یکی از هواداران به نام آذری هجوم برده و تمام زندگی او را به سربردند. تمام کسانی که در حرم خانگی آنها حمله شده بود طی اعتراضات و اعلام جرمهایی به مقامات مسئول خواهان رسیدگی فوری به وضعیت مسئول شهر شدند.

به دنبال حمله ایوانی جنبش تحریک شده به انجمن جوانان مسلمان تربت حیدریه، اعلامیه ای از طرف این انجمن انتشار یافته است.

در این اعلامیه، با استناد به سخن گرانقدر پیامبر: "آن- کسی که بشنود فریادی را که مسلمان را به پاری می طلبند و او را پاسخ نگوید مسلمان نیست"، جریان حمله به این انجمن و ضرب و شتم برادران و خواهران و برپان نمودن سف و شکستن دربها، و همچنین قتل آتش زدن یکی و بقیاراضه می گویند.

## مواسم تشییع جنازه ی

### مجاهد شهید احد عزیزی



مراسم با تلاوت آیاتی از قرآن مجید شروع و پس از آن زندگینامه ی مجاهد شهید و اعلامیه های تشییع و پیام جنبش مسلمانان ترکی قرائت گردید. و در پایان یکی از برادران مجاهد در رابطه با حلات و تشییع آنها و در این روز به هواداران سازمان می-شود، سخنرانی نمود. پیام های گوناگونی نیز از طرف انجمنها و گروه های مختلف بودن که به علت کمی وقت از خواندن متن حرکت درآوردند به دنبال آن حدود ساعت ۲ بعد از ظهر با اعلام حرکت به سمت انجمن برای افتتاح مجدد، جمعیت یادمان شاعرانه ی مسرت حرکت کرد. در آنجا عکسهای بارشده ی پدر - طالقانی و شهید را به عنوان سند به معرض نمایش گذاشتند. در پی آن چند پاسدار با حمله به انجمن عکس

## هشدار مجاهدین خلق ایران شاخه های مازندران

بنام خدا

بنام خلق قهرمان ایران

در جریان وقایع صبح جمعه ۵۹/۳/۹ که عده ای مهاجم به کتابفروشی های هوادار مجاهدین خلق در بابلسر حمله کردند، تعدادی از برادران ما دستگیر شده و به سپاه پاسداران منتقل گردیدند. ما برای حل فوری مسئله و جلوگیری از هرگونه توطئه دیگری، بعد از تماس با دادستان انقلاب، دو تن از نمایندگان خود را با معرفی نامه نزد ایشان فرستادیم. اما از هنگامی که برادران ما برای ملاقات به محل سپاه رفتند، گانگوان بازگشتند. در تماس تلفنی با آقای دادستان ایشان اظهار داشتند که نمایندگان سازمان ما بعد از ۴۵ دقیقه ملاقات از اطاق من خارج شدند.

ولی در تماسهای مکرری که با مسئولین سپاه گرفتیم، اطلاعات دقیقی در اختیار ما قرار نگرفت. ولی طبق شواهد موجود آنها بعد از ملاقات با آقای دادستان توسط آقای هادی غفاری دستگیر و به نقطه ی نامعلومی منتقل شده اند. ما ضمن اظهار نگرانی نسبت به سرنوشته برادرانمان، موضوع را به اطلاع دادستانی انقلاب اسلامی مازندران و معاون استاندار و دیگر مقامات مسئول رسانده و تقاضای رسیدگی فوری این مسئله را کرده ایم. ما بار دیگر نگرانی خود را نسبت به سرنوشته برادرانمان به اطلاع مردم ۱۵۸ و انقلابی می رسانیم و از مقامات مسئول می خواهیم تا مسئله را پیگیری نموده و هرچه زودتر وسیله ی آزادی آنها را فراهم نمایند.

مستحکم با یاد پیوند ضد امپریالیستی تمام خلق مجاهدین خلق ایران - شاخه ی مازندران ۵۹/۳/۱۵

شاهین شهر (اصفهان):

### شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):

شاهین شهر (اصفهان):